

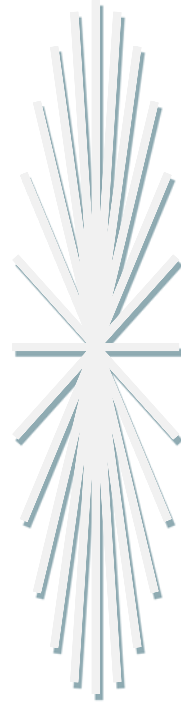
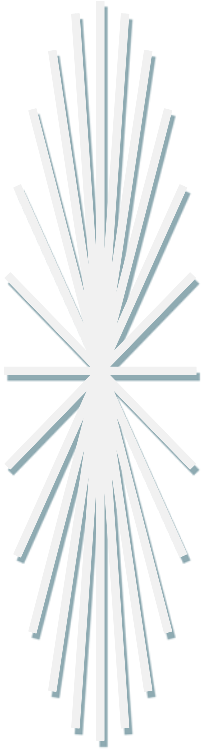


شرحی بر دعای خمس عشر

محقق: فاطمه پورشفیغ

تابستان ۹۵

تقدیم به روح مطہر معصومین علیہ السلام



مقدمه:

از بزرگترین نعمتهای خداوند بر بنده اش در خواست است ، تقاضا است ، خواستن است پس بنده وقتی از خداوند چیزی بخواهد، علل و اسباب رسیدن به این در خواست را باید آماده کرده باشد؛ که آن خود شناسی و خداشناسی است.

اعمال صالح ، ایمان ، تقوی ، درجاتی در دنیا دارند که لیاقت را برای انسان رقم می زند و این صفات گزینه های خوبی هستند برای رسیدن به مطلوب که آنها در خواست از خداوند است؛ ولی گاهی گناه ضعف اعتقادی را بوجود می آورد و براین اساس لیاقت وجودی کم شده و استجابیت دعا را طولانی می کند. هرچه استجابیت دعا طولانی شود و انسان به جواب در خواست خود نرسد تخفیف در گناهان حاصل می گردد که بزرگترین نعمت است؛ در این حین نتیجتاً انسان بخود می آید و متوجه اعمال خود می گردد و وزنه اعمال خود را می سنجید. آنچه مسلم است تکامل بشریت در کشف فلسفه آفرینش و پیاده کردن پیام دین در زندگی است.

امام صادق(ع) در تبیین جنود عقل و جهل می فرماید: " والدَّاعَا ضِدَّهُ الاستنکاف" دعا و ضد آن خود داری است(کافی ج ۱ ص ۲۳ح ۱۴)

دعا از جنود عقل است، عقل انسان را نیازمند مطلق می بیند و لذا او را به عبودیت کمال مطلق دعوت می نماید تا با عبادت و پرستش الهی به عنایت و رحمت الهی برسد، از این رو پیشوایان دین به دلیل بالاترین مراتب عقل و معرفت پیش از دیگران خود را نیازمند به خدا می دانستند پس به دعا اهتمام داشتند که دعای خمس عشر از آن جمله است، که در ابتداء حس عبودیت فرد نسبت به آفریدگار شکل گرفته و بتدریج رشد می یابد تا در مرحله زهد بهره گیری از رحمتهای الهی را به اوج خود برساند. در باره این دعا باید گفت: دعای خمس عشر پله مبارزاتی نفسانی در برابر قوای شهویه و بهیمی و غضبیه است که مسمای آن جهاد با نفس که همان جهاد مرکب است. دعای خمس عشر سیر آفاقی و انفسی بشر بسوی قرب الهی است.

دعای خمس عشر ، پانزده مناجات عرفانی ، اخلاقی ، رفتاری و گفتاری و آموزشی در جهت ارتقاء بشریت از امام سجاد (ع) است :

سند مناجات خمس عشر در کتابهای الصحیفة الثانیة السجادیة، بحار الانوار و مفاتیح الجنان آمده است. علامه مجلسی می گوید: «این مناجات را در برخی از کتابهای اصحاب دیدم که از امام سجاد (ع) روایت کرده اند؛ در حالی که ایشان نامی از آن کتابها نبرده و سند روایت را هم نقل نکرده است. شیخ حرّ عاملی نیز در «الصحیفة الثانیة السجادیة» این مناجات پانزده گانه را از دعاهای سجادیه دانسته و بدون هیچ تردیدی به امام سجاد (ع) نسبت داده است. روایت مناجات خمس عشر مرسل است، و مطالب و مفاهیم موجود در این مناجاتها با اصول و آموزه های قرآنی و دعاهای ماثور دیگر موافق است.

محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی، (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق) مشهور به مجلسی اول، پدر علامه مجلسی و از علمای شیعه در قرن یازدهم قمری. از وی آثاری چون روضة المتقین و لوامع صاحبقرانی برجای مانده است، مجلسی در اصفهان و نجف تحصیل کرد، وی در مسجد جامع اصفهان به تدریس علوم دینی مشغول بود و پس از استادانش شیخ بهائی و میر داماد، در این مسجد نماز جمعه اقامه می‌کرد.

محمد تقی مجلسی پدر علامه مجلسی - می‌گوید: «شایسته است که سالک الی الله مداومت بر خواندن مناجات خمس عشر داشته باشد» بعضی از شاگردان سید علی طباطبایی صاحب ریاض از قول وی نقل می‌کردند که ایشان دائما می‌گفت: من چندین سال است که بر قرائت این مناجات مداومت دارم و بر اثر قرائت این مناجات‌ها، خداوند بر قلب من انوار حکمت، معرفت و محبت را تابانده است به صورتی که قابل شمارش نیست و من این مناجات‌ها را در استجابت دعا تجربه نموده‌ام، و سالکان و عبادت کنندگان بر قرائت این مناجات مداومت می‌کنند. جالب اینکه این دعا از جمعه شروع می‌شود به ترتیب تا پانزده روز طول می‌کشد و در جمعه پانزدهم پایان می‌یابد. پس به امید خداوند در معنا دعای خمس عشر وارد می‌شویم:

- ۱- مناجات التائبین : آموزش توبه برای حفظ عزّت در دنیا
- ۲- مناجات الشاکین: آموزش رفع شبهات و شکایت از نفس اماره که راه توبه را بر انسان بسته.
- ۳- مناجات الخائفین : آموزش خوف از خداوند از بحرانهای رذائل عقیدتی و اخلاقی
- ۴- مناجات الراجین : آموزش امید در برابر خوف الهی، امیدی که پناهش جز خدا کسی دیگر نیست. امیدی که اگر هست باید با خوف همراه باشد.
- ۵- مناجات الراغبین: آموزش رغبت به دین و بی رغبتی به دنیا. که رغبت به دنیا جزء عصیان و طغیان چیزی برای بشر به ارمغان نمی‌آورد.
- ۶- مناجات الشاکرین: آموزش شکر گذاری از خداوند سبحان.
- ۷- مناجات المطیعین: آموزش طاعت بندگی از نیّت تا عمل.
- ۸- مناجات المریدین: آموزش واقعی مرید و مراد که بیراه رفتن ، هلاکت ابدی دارد.
- ۹- مناجات المحبین: آموزش بندگی خالصانه در برابر خداوند.
- ۱۰- مناجات المتوسّلین : شناخت اسباب - وسیله قرب "کتاب الله و عترت" برای دوری از انحرافات
- ۱۱- مناجات المفتقرین : دواء و درمان و آموزش برای کسانی که نیاز روحی و جسمی دارند ولی نمی‌دانند.
- ۱۲- مناجات العارفين : آموزش و پاسخ به شبهات و مبارزه با عرفانهای کاذب نه زهد تنها.

۱۳- مناجات الذاکرین: آموزش ذکر و مفهوم آن.

۱۴- مناجات المعتصمین: آموزش سوار شدن بر کشتی نجات با ریسمان الهی

۱۵- مناجات الزاهدین: آموزش زهد و دوری از رهاییت

فهرست مطالب مناجات سیزدهم:

- شناخت مقام تقدیس الهی
- توفیق الهی چیست
- راههای جلب توفیق الهی
- عوامل سلب توفیق
- بیان ذکر ذکر خفی و جلی
- بدعت گذاری در دین
- سخن پیامبر در مورد نماز
- دوری از خالق
- انواع ذکر در نماز و غیر آن
- صلوات – ذکر مفید

الثَّالِثَةَ عَشَرَ: «مُنَاجَاتُ الذَّاكِرِينَ»



سیزدهم: مناجات یادکنندگان حق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِلٰهِي لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِي، لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ، عَلِي

خدایا اگر پذیرفتن فرمانت واجب نبود تو را پاکتر از آن می‌دانستم که من نام تو را به زبان آرم گذشته

أَنَّ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ،

از اینکه ذکر من از تو کنم به اندازه فهم من است نه به مقدار مقام تو

شرح این فراز:

امر خداوند واجب الاطاعت است پس با ضعفی که در من وجود دارد چطور می‌توانم این واجب را انجام بدهم که هر آینه تو از ذکر من منزّه هستی و ذکر من برای تو به قدر فهم خودم است ولی مرا به مقام و محل تقدیس تو نزدیک می‌کند.

"الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد ۲۸)

در اینجا به مختصر آنچه که در روایت از ائمه (ع) در مورد ذکر موجود است بسنده می‌نماییم:

یاد خدا لذت‌محبّان است و یاد کردن او نشستن با محبوب است. یاد خدا آرامش دلهاست. یاد خدا عذاب و خشم خداوند را از انسان بر می‌دارد. گرامیترین انسان نزد خدا کسی است که بیش از دیگران به یاد خدا

باشد و به فرمان او عمل کند. هر چیزی حدی دارد که در آن جا به پایان می رسد مگر یاد خدا که آنرا حدی پایان پذیر نیست " یا ایها الذین امنوا اذکروا لله ذکرًا کثیرًا "

خداوند فرائض را واجب کرد پس هر کس آنرا به اندازه طاقت و فهم خود انجام می دهد . آیا براستی بشر می تواند عبادت خدا را در سطحی مطلوب که خداوند سبحان انتظار دارد انجام دهد؟ یا آن عبادت به قدر فهم خود بشر انجام می گیرد " لایکلف الله نفساً الاّ وسعها" . آنچه که مسلم است اینکه خداوند نیاز به نماز و عبادات بندگان ندارد فقط تسلیم شدن بنده را در برابر او امرش می خواهد ؛ لذا این من هستم که نیاز به توجه او دارم ؛ پس به نیکویی او را عبادت می کنم تا نزدش آبرو یابم تا مسیر تکامل برایم آسان گردد.

امام علی(ع) می فرماید: با حالت غفلت خدا را یاد مکن و برای سرگرم شدن به کاری خدا را فراموش نکن بلکه او را چنان یاد کن که دل و زبانت یکی باشد و درونت با بیرونش مطابقت کند. تو حقیقتاً به یاد خدا نخواهی بود مگر آنگاه که هنگام ذکر گفتن خود، خویشتن را فراموش کنی و در وقت کار خود (ذکر گفتن) خویشتن را گم کنی. (غررالحکم ۱۰۳۵۹)

وَمَا عَسَىٰ أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّىٰ

و تازه مگر چه اندازه امید است

أَجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ،

قدم بالا رود که محل تقدیس (و به پاکی ستودن) تو قرار گیرم

شرح این فراز:

عارفی که خدا را یافت هرگز از او جدا نمی شود بلکه از خود جدا می شود و خود را در خدا و خدا را در خود می بیند. پس گوش او گوش خدا و چشم او چشم خدا و زبان او زبان خدا می شود.....

کلینی با چند واسطه از امام صادق(ع) و آن حضرت از رسول خدا(ص) نقل می کند که: ... هیچ بنده ای، با هیچ چیز به من نزدیک نشده است که از فرائض نزد من محبوب تر باشد. همانا بنده به وسیله نوافل و مستحبات به من نزدیک می شود، تا محبوب من می گردد، و همین که محبوب من شد، من گوش او می شوم که با آن می شنود، و چشم او می شوم که با آن می بیند، و زبان او می شوم که با آن سخن می گوید، و دست او می شوم که با آن برگیرد و قدرت یابد. اگر مرا بخواند اجابت می کنم او را، و اگر از من بخواهد می بخشم و عطا می کنم او را..(سخن خدا، کلیات احادیث قدسی، ص ۱۰۶)

در حدیث قدسی آمده است : هر گاه به دل بنده ای سر زخم و ببینم که یاد من بر آن چیره گشته است ، اداره و تربیت او را خود به عهده گیرم و همنشین و هم سخن و همدم اوشوم.(البحار ۹۳ / ۱۶۲ / ۴۲)

وَمِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَيْنَا جَرَيَانُ ذِكْرِكَ عَلَيَّ

و از بزرگترین نعمتهای تو بر ما همان جریان داشتن ذکر تو بر

أَلْسِنَتِنَا، وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ

زبان ما است و همان اجازه‌ای است که برای دعا کردن و به پاکی ستودنت به ما دادی

شرح این فراز:

یاد کننده خدا به منزله نمازگزار است. پیامبر(ص) فرمودند: مادام که به یاد خدا باشی ، ایستاده و یا نشسته در بازار یا در محفل صمیمی و یا هر کجا که باشی پیوسته در حال نماز و عبادت هستی.(کنز العمال ۱۹۲۷)

عبد الله بن بکیر از امام صادق(ع) درباره آیه "اذکر والله ذکرا کثیرا"(خدا را بسیار یاد کنید). پرسیدم : کمترین حد ذکر کثیر چیست؟ فرمود سی و سه بار تسبیح گفتن در تعقیب هر نماز (نور الثقلین ۴/۲۸۶/۱۵۳) تسبیح فاطمه زهراء (س) از جمله همان ذکر کثیر است که خدا را بسیار یاد می کند.

"ما توفیقی الا بالله"

توفیق الهی چیست؟

توفیق مصدر باب تفعیل در لغت بر ایجاد هر گونه سازگاری و مناسبت و همراهی بین دو چیز دلالت دارد. توفیق در اصطلاح این گونه تعریف می کنند که خداوند افعال بندگانش را موافق خشنودی خود قرار دهد و انسان را از رسیدن به اسبابی که موجب معصیت می گردد باز می دارد.(مقایس اللغه - ابن فارس ح ۶ص ۱۲۸) (احیاء علوم الدین ، غزالی ج ۴ ص ۱۰۷)

توفیق از مسائل حیاتی و سرنوشت ساز در زندگی انسان است. زیرا هنگامی برای انسان خیر و سعادت حاصل می شود که توفیق شامل حال او شود . در واقع توفیق نوری است که خداوند با آن بصیرت را در بنده روشن می کند. ممکن است انسان گاهی میان نور و ظلمت بماند یعنی در میان توفیق و خذلان در نوسان باشد که با آموزش و یادگیری مفاهیم قرآنی و معارف قرآنی مفهوم هدایت را سرچشمه راه خود قرار می دهد. " وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ (-سوره محمد ۱۷)

واگر انسان از مسیر هدایت دور شود و اسباب معصیت را در پیش بگیرد بدلیل دور شدن از فطرت و پیروی از هوای نفس بی توفیقی گریبان او را می گیرد و مستحق عقوبت و قطع رحمت الهی می شود و بی توفیقی چیزی جز حیرت و سرگردانی ندارد و انسان را از یافتن راه راست محروم می کند.

راهکارها برای جلب توفیق خداوند:

- ۱- نیایش برای کسب توفیق
- ۲- دعای پدر و مادر عامل توفیق
- ۳- تلاش و کوشش برای جلب توفیق ضروری است.
- ۴- اندیشه در نعمتهای خداوند و شناخت نعمتهای خداوند
- ۵- شناخت حلال و حرام الهی
- ۶- شکر نعمتهای خداوند لساناً و عملاً و نقلاً

عوامل سلب توفیق:

- ۱- جهل و نادانی: یکی از اساسی‌ترین عواملی که انسان را از بهره‌مندی از عبادت محروم می‌کند، جهل است. «انما یخشی الله من عباده العلماء...» (تنها مردمان عالم و دانا مطیع و خدا ترسند). (فاطر ۲۸)
- ۲- گناه: امام باقر (علیه السلام): «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَذُنِبُ الذَّنْبَ فَيُزَوَّى عَنْهُ الرِّزْقُ» همانا بنده، گناه می‌کند و به سبب آن روزی از او گرفته می‌شود. (میزان الحکمة)
- اصل همه خطورات قلبی که انسان را از یاد خدا باز می‌دارد، و به خود مشغول می‌سازد، محبت به دنیا و اشتغال به آن است.
«یا ایها الذین آمنوا لاتلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله و من یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون» ای اهل ایمان مبادا هرگز، مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل سازد و البته کسانی که به امور دنیا از یاد خدا غافل شوند، آن‌ها به حقیقت زیانکاران عالم (مناقون ۹)
- ۳- حالت کسالت و سستی: در واقع روحیه منافقینی است که تظاهر به عبادت و دعا می‌کنند و چون قلباً مایل نیستند با حالت به نماز و عبادت می‌ایستند.
- ۴- پر خوری: حضرت علی (علیه السلام): «ایاکم و البطنه، فانها مقساة للقلب، مکسله عن الصلاة، مفسده للجسد»

از پرخوری دوری کنید که مایه سنگدلی، تنبلی نسبت به نماز و تباهی بدن است. (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۶۱۱).

۵- همنشین بد: فاعرض عن من تولی عن ذکرنا و لم یرد الّا الحیاء الدنیا» (نجم ۲۹)
از کسیکه از یاد ما اعراض کرده و جز زندگی دنیا، اراده‌ای ندارد. دوری کن.

۶- کفران نعمت: لاین شکرتم لإزیدتکم و این کفرتم این عذابی لشدید» (اگر شکر نعمت بجای آورید، بر نعمت شما می‌افزائیم و اگر کفران کنید، به عذاب شدید گرفتار می‌کنیم.) (ابراهیم ۷)

۷- موسیقی: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «فإن الملاهی تورث قساوة القلب و تورث النفاق» (میزان الحکمه ج ۱)

کارهای لهو و سرگرم کننده، سختدلی می‌آورد و نفاق برجای می‌گذارد.

۸- حرام خواری: کسانی که مراقب طعام خود هستند و «فلینظر الانسان إلى طعامه» پیامبر (صلی الله علیه و آله): «إذا وقعت اللقمة من حرام فی جوف العبد، لعنه کل و ملک فی السموات و الارض» (از سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۴۵)

هرگاه لقمه حرامی در شکم بنده قرار گیرد، ملائک آسمان و زمین او را لعنت می‌کنند.

۹- سخنان لغو: قد أفلح المؤمنون ... و الذین هم عن اللغو معرضون» (همانا اهل ایمان به رستگاری می‌رسیدند... و آنان که از لغو و سخن باطل اعراض و احتراز می‌کنند.) (مؤمنون/۱-۳)

۱۰- غفلت، حضرت علی (علیه السلام): «الغفلة فقد» غفلت، موجب گم کردن (راه حق) است. (لقمان ۶)

۱۱- نیت: «قل کل یعمل علی شاکلته» (۷۲): تو به خلق بگو که هرکس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد. در چند حدیث آمده که حضرت صادق (علیه السلام)، کلمه «شاکلته» را به نیت انسان تفسیر نموده‌اند افرادی که از نعمت بی‌بهره‌اند، طبق نیت و تصمیم خود عمل می‌کنند و اینطوری می‌پندارند که عملشان مطابق واقع و بر حق خواهد بود (۷۳). (اسراء)

إِلَهِی فَا لِهْمَنَا

خدایا پس ذکر

ذُكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْإِعْلَانِ وَالْإِسْرَارِ، وَفِي

خَوِيصِ رَا بَه مَا الْهَامُ كُنْ دَرِ خَلُوتِ وَ جَلُوتِ وَ شَبِّ وَ رُوزِ وَ أَشْكَارِ وَ نَهَانِ وَ دَرِ

السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَأَنْسَنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ وَاسْتَعْمَلْنَا بِالْعَمَلِ الرَّكِيِّ،

خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر خفی و پنهان مانوس کن و به کار پاکیزه و کوشش
خداپسند

وَالسَّعْيِ الْمَرْضِيِّ، وَجَارِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ

وآدار و پاداش ما را به میزان تمام بده

شرح این فراز:

یاد خدا در همه حال نیکوست (ذکر الله حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ) . پیامبر(ص) فرمودند : کسی که در میان غافلان به یاد خدا باشد مانند کسی است که در میان فراریان (از جنگ) می جنگد. یاد خدا در تنهایی و خلوت در میان جمع و در شب و روز ، در نهان و آشکار در بیماریها و گرفتاریها و سختی ها و در خوشیها و ناخوشیها جلا دهنده نفس است. یاد خدا حیات بخش و روشنایی بخش و آرام بخش دلهاست و دلها را از زنگارها صیقل می دهد. یاد خدا شفای دلهای بیمار و کلید انس خدا و خلق اوست. یاد خدا مایه طرد شیطان است. یاد خدا سبب ایمنی از نفاق است. ثمره یاد خدا ، عشق و محبت به انبیاء و خاتم پیامبران حضرت رسول(ص) و اهل بیت (ع) است . یاد خدا مایه محبت و قبول عالم غیب است . یاد خدا عامل مبارزه با هر گونه کذب و دروغ و شبهه و ریب می باشد. یاد خدا عامل پیروزی در برابر دشمنان دین است. یاد خدا روحیه عشق به آخرت را در انسان افزایش می دهد و از عشق و علاقه بر دنیا و زیورهای آن می کاهد. یاد خدا آموزنده اخلاص در عمل است و عمل را در کنار علم قرار می دهد. پیامبر (ص) فرمودند: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرمود که: ای پسر آدم در هنگام خشم به یاد من باش تا من نیز هنگام خشم خود به یاد ت باشم و تو را با دیگران هلاک نکنم. (البحار ۵۰/۳۲۱/۷۵)

باید دانست که خداوند بی نیاز است از یاد تو در حالیکه یاد تو از او ارزشمندتر و کاملتر است و هر که می خواهد خدای تعالی را یاد کند این یاد آوری توفیق الهی بر دل مومن است و گرنه بنده قادر به گفتن ذکر و یاد او نخواهد بود. پیامبر می فرماید: مقصود از ذکر من هستم " ... فاسئلوا اهل الذکر.... " و اهل ذکر ائمه (ع) است. (کافی ۱/۲۲۱)

بهترین افراد در ذکر الهی کسانی هستند که دیدن آنها انسان را به یاد خدا اندازد و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و کردارش شما را مشتاق آخرت کند. (کنز العمال ۱۷۸۳-۱۷۸۶-۱۷۸۴-۱۷۸۷)

امام سجاد (ع) پر خوری و سستی و مستی و سیری و غفلت حاصل از قدرت از عوامل باز دارنده و کند کننده در عمل است و ذکر خدا را از یاد می برد. (البحار ۱/۱۲۹/۷۸)

انواع یاد خدا:

امام باقر(ع) در باره ذکر می فرماید: ذکر زبان ، حمد و ثناء ، ذکر نفس ، سختکوشی و تحمل رنج و ذکر روح ، بیم و امید و ذکر دل ، صدق و صفا ، و ذکر عقل ، تعظیم و شرم و ذکر معرفت ، تسلیم و رضا و ذکر باطن و درون مشاهده و لقاء است . (کنز العمال ۱۷۵۷- ۱۷۷۱)

ذکر خفی یا ذکر حامل (آهسته صحبت کردن)

پیامبر (ص) فرمودند ذکر خفی که فرشتگان نگهبان نشنوند هفتاد بار بهتر است از آن که آنان بشنوند (کنز العمال ۱۷۵۷-۱۷۷۱-۱۹۲۹)

پیامبر (ص) فرمودند: ابلیس عرض کرد: پروردگارا! برای هر یک از آفریده هایت روزی و معیشتی قرار داده ای، روزی من چیست؟ فرمود: هر چه که نام من بر آن برده نشود (کنز العمال ۱۹۱۷)

إِلَهِي بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ،

خدایا دل‌های شیدا همه سرگشته و تشنه تو‌اند

بیان ذکر:

ذکر در لغت یاد کردن است و این یاد چگونه تشنگی را بر طرف می‌کند؟

- ۱- یاد خداست در هنگام معصیتی که می‌خواهد مرتکب آن شود. خدا را به یاد آورد و برای خدا آن را ترک نماید.
- ۲- یاد خداست در وقت طاعت تا خدا را به یاد آورد و به سبب آن مشقت طاعت بر او آسان شود و به جا آورد.
- ۳- یاد خداست در هنگام رفاه و نعمت، تا وفور نعمت، او را از یاد خدا غافل نکند و شکر آن را به جا آورد.
- ۴- یاد خداست در هنگام بلا و محنت، تا در آن حالت به خدا تضرع نماید و بر آن بلا صبر کند.
- ۵- ذکر الهی است به دل تا در صفات کمالیه از قبیل نعمتهای الهی و دین خدا و مفاهیم قرآن و روایت و امور مرتبط به نفس، تفک نماید.
- ۶- ذکر زبانی، مثل مذاکرات علمی و درس گفتن، فضائل اهل بیت (ع) آموزش قرآن و مداومت بر دعا خواندن و از بدعتها دور ماندن است. ذکر زبانی باید از لاف‌گویی و لغو‌گویی دورماند. آنچه که بر زبان می‌آید دل از آن آگاه است.

وَعَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ، فَلَا

و خردهای متفرق و جدا همه در مورد شناسایی و معرفت تو متفق گشته‌اند و از اینرو

تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ، وَلَا تَسْكُنُ النَّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ،

دلها جز به یاد تو آرام نگیرند و جانها جز به مشاهده جمالت تسکین نیابند

شرح این فراز:

خدایا با یاد توست که دلها از آشفتگی و دربدری نجات می یابد و الهی می شود. با یاد توست که معرفت ها شکل می گیرد و خرد و اندیشه های مختلف متفق می گردند. با یاد توست که دلها آرامش می یابد و به عین الیقین (صورت حاصله از یقین) می رسد. یاد تو مکان و زمان ندارند تو معبود من هستی هر کجا و هر مکان و با هر زبانی باید یاد تو باشیم. عابد باید بنشیند و لسان خود را به استغفار زینت دهد چون هر لذتی به غیر از یاد خدا نیاز به استغفار دارد و این حقیقت روح است. خدایا از هر آرامشی به غیر از انس تو طلب مغفرت دارم. خدایا از هر نشاطی غیر از قرب تو طلب مغفرت دارم و از هر کاری غیر از طاعت تو طلب مغفرت دارم. در حدیث است که انسان صاحب قرب الهی در روز صد آیه بخواند و آن هنگام که به آیه نهی الهی از عمل برخورد کرد ترک آن را بر خود واجب نماید؛ و اگر به آیه رحمت الهی برخورد کرد دعا نماید و آنرا طلب کند. "ادعوا ربکم تضرعاً و خفیه انه لایحت المعتدین." (اعراف ۵۵) خدا را با زاری و تضرع و پنهانی بخوانید زیرا حق تعالی دوست نمی دارد آنان را که از حد اعتدال بیرون می روند.

ذکر جلی چیست:

آنچه که صوفیان انجام می دهند بدعت است و ذکر جلی نیست.

۱- ذکر جلی از اعتدال خارج نیست - بدعت ندارد. موسی از خداوند سؤال کرد! پروردگارا آیا تو نزدیکی به من! یا دوری که چون تو را بخوانم، بلند بخوانم؟ خطاب رسید: من همنشین آن کس هستم که مرا یاد می کند، یعنی فریاد در کار نیست (اصول کافی ۴/۴۹۶/۲ ح/۴)

۲- بعضی ها مثل منافقین در پنهان ذکر نمی نمایند ولی آشکارا ذکر می گویند.

تذکر: ذکر جلی را باید مراقب بود زیرا گاهی از بدعت و نفاق و خارج از دین شدن را سر باز می کند. آن ذکری که آدمی در خاطر خود بکند ثواب آن را به غیر از خدا کسی نمی داند و این از بزرگی آن ذکر است (اصول کافی ۴/۴۰۲ ح/۴)

۳- تحریرها و غنا می کنند و ذکر را به تصنیفها بر می گردانند و میان آنها اشعار عاشقانه و ملحدانه با نغمه ها و ترانه ها که به اجماع علماء حرام است.

۴- شعر خواندن در مسجد مذموم است. پیامبر فرمودند: اگر بشنوید کسی در مسجد شعر می خواند (آواز خوانی- خوانندگی) به او بگویید خدا دهنش را بشکند ، مسجد را برای قرآن خواندن ساخته اند (فروع کافی ۳/۳۶۹/۵ح)

تذکر: این بابویه به سند معتبر از جابر روایت کرده اند که به امام محمد باقر (ع) گفتم : جمعی هستند که هرگاه چیزی از قرآن را یاد کردند یا کسی بر ایشان خواند بیهوش می شوند و چنین می نمایند که اگر کسی دست و پای ایشان را ببرد خبر نمی شوند. حضرت فرمود: سبحان الله این از شیطان است خدا ایشان را به این امر نفرموده است چیزی که به آن مأمور شده اند و به کار ایشان می آید نرمی و رقت و گریه و ترس است (اصول کافی ۲/۶۱۶/۶۱۷ح)

بدعت گذاری در دین:

شخصی به خدمت حضرت صادق (ع) آمد و گفت: دعایی اختراع کرده ام . حضرت فرمود : اختراع خود را بگذار و آنچه می گویم بخوان....(عین الحیات ص ۳۱۳)

آنچه اهل سنت و فرقه هایی از شیعه چون صوفیان نقل می کنند بدعت است. بدعت نو آوری در دین است مثل و هابیت که هرکجا بمانند مفتی آنها یک فتوای ناصحیح و از پیش ساخته خود را در گوش مردم مسلمان بیچاره می کنند و آنها گمراه می سازند. فتوای هابیت به اعتقاد بسیاری از علما و اندیشمندان جهان عرب عامل هرج و مرج کنونی در دنیای عرب و ظهور گروههای تروریستی در منطقه شده است. نمونه ای از گفتارهای ناصحیح آنان را در اینجا می آوریم:

به گزارش نشریه تایم ، جدیدترین فتوای مفتی های و هابی این است که زنان حق دست زدن به دو میوه محبوب و خوش طعم دنیا یعنی خیار و موز را ندارند. این که خبر مربوط به اعلام این فتوا درست یا غلط، مهم نیست. مهم مضحک و احمقانه بودن این فتوا است. این در شرایطی است که این تنها فتوای مضحک اعلام شده از سوی و هابیون عربستان نیست.

«شیخ عبداللطیف محمود» از علمای سلفی در صفحه شخصی توئیتر خود در توجیه دست دادنش با دختران در هنگام جشن فارغ التحصیلی چنین نوشت: "پیامبر (صلی الله علیه) را در خواب دیدم که به من می گفت: برای علمای دین اشکالی ندارد که با دخترها دست دهند، به همین خاطر با این دختران دست دادم!!".

از این فتواها آنها زیاد دارند که همه مخالف قرآن است و آنها عملاً با قرآن به مخالفت برخاسته اند.

و هابیت به گونه ای و گروههای صوفی به گونه ای دیگر در مورد پیامبر (ص) نظر ناصحیح خود را اینگونه ابراز می کنند: معصومین و علما و اصحاب گرامی پیامبر مطربی داشته اند که برای ایشان زمزمه می کرده است یا حلقه ذکر منعقد می ساخته اند و اصحاب خود را به آن امر می کرده اند . پاسخ به این گفتار این است: شما بدنبال چه هستید؟ ای مردم بدانید و آگاه باشید وقتی دین گریزی در بین مردم رواج یابد سر بریدن هم آسان می شود ، این گروه بدنبال تشکیل گروههای تروریستی هستند که دین را به بازیچه و تمسخر گرفته اند . اینها همان گروهی هستند که پیامبر (ص) را در زمان حیات به تمسخر می

کشیدند و به ایشان بی احترامی می کردند. اینان ، و صوفیان روایات صحیح و ثقه در خبر متواتر را قبول نمی کنند و بدنبال انجام کار هاو حرکات ناسنجیده (مثل رقص سماع به نوعی از **رقص صوفیه** شامل چرخش بدن همراه با حالت **خلسه** برای اهداف معنوی گفته می شود. سماع سابقه دیرین تاریخی داشته و پس از اسلام موافقان و مخالفانی نیز در این دین پیدا نموده است-) بیهوده و سخنان ناصحیح برای به انحراف کشاندن مردم و دور کردن آنها از اصل بندگی است همانگونه که ناروا می گویند همانگونه حلقه های انحرافی تشکیل می دهد و یا اگر از بقعه های بگذرند که چند جلف فریاد می زنند ، یا ربّی یا ربّی یا هو یا هو و..... با رغبت داخل آن حلقه شده و تاصبح می جنبند و دیگر.....

امیر المؤمنین (ع) در خطبه ۲۰۱ نهج البلاغه می فرمایند: " وحشت نگیرید از راه هدایت به سبب کمی اهلش ، پیوسته اهل باطل بسیار بوده اند و اهل حق اندک."

در اکثر آیات قرآنی ملاحظه می کنید " قلیل مدح می شود و کثیر مذمت"

سخن پیامبر به ابوذر در مورد نماز:

ای ابادر! خوشا حال صاحبان ولواها و علم ها در روز قیامت که آنها علم ها را بر خواهند داشت و بر مردمان پیشی خواهند گرفت! ایشان جماعتی هستند که در دنیا به مسجد رفتن در سحر ها و غیر سحر ها سبقت می گیرند . ای ابوذر: نماز ستون دین است و زبان بزرگتر می باشد یعنی آنچه از زبان صادر می شود از عقاید حق و شهادتین و ذکر خدا بزرگتر از نماز است و حق تعالی می فرماید: " أَنْ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذَكَرَ اللَّهُ أَكْبَرَ (عنکبوت ۴۵)

برخی از مفسرین در تفاسیر در باره ارزش نماز و حفظ اوقات آن سخن گفته اند: نماز انسان را از گناه و بدی دور می کند . یاد خدا بزرگتر از نماز است یعنی وقتی در برابر منکر و گناهی قرار گرفتی با یاد خدا از آن دور شو. تصدق دادن ، چه علم و چه نیکی و چه مال و یا اخلاق خوش گناهان را محو می کند ولی باز زبان بزرگتر است یعنی آنچه به زبان صادر می شود از امر به معروف و خیرات و مبرات و بیان علوم و حقایق بزرگتر از تصدق و فوایدش بیشتر است.

أَنْتَ الْمُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَالْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ

تویی که در هر جا تسبیح گویند و در هر زمانی پرستش کنند و در هر آن موجود بوده ای و به هر

أَوَانٍ، وَالْمَدْعُوُّ بِكُلِّ لِسَانٍ، وَالْمُعَظَّمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ،

زبان تو را خوانند و در هر دلی تو را به بزرگی یاد کنند

شرح این فراز:

خداوند عالمیان را مکانی نمی باشد ولی مساجد را خانه خود خوانده است! چرا؟ به دلیل اینکه مکانهای متبرکه و مساجد محل رحمت و فیض خداوند سبحان است و در آن رحمت الهی زیاده از جاهای دیگر است. یا اینکه زکات واجب، علفی دادن آن بهتر است زیرا حق واجب و دین لازم را ادا نمودن، ریا نمی باشد. در نماز بخصوص نماز نافله ائمه (ع) می فرمایند: نماز نافله در خانه خواندن بهتر است چون این ذکر خفی است. گاهی در بعضی دیگر از احادیث است که تمام نوافل را در مسجد خواندن بهتر است. آنچه مهم در این دو روایت است مسئله ریا است. اگر اهل ریا و تظاهر هستی اصلاً نافله نخوان بخصوص در مسجد. چون نافله جبران کننده مافات نماز است پس باید بدون ریا باشد و برای حفظ این مافات باید سعی کرد آنرا در محیط مناسب و بدون ریا انجام داد.

وَاسْتَغْفِرْكَ مِنْ كُلِّ لَذَةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ،

و از تو آمرزش خواهم از هر لذتی جز لذت تو

وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بَغَيْرِ أُنْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُرُورٍ بَغَيْرِ

و از هر آسایشی جز انس با تو و از هر شادمانی جز

قُرْبِكَ، وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بَغَيْرِ طَاعَتِكَ،

قرب تو و از هر سرگرمی به جز فرمانبرداریت

شرح این فراز:

دوری از خالق:

این فراز از خوشی ها و لذت‌های بی سخن می گوید که مرا از قرب الهی دور می سازد.

باید ارزشهای دنیا شناخته شود، باید به وظایف فردی و اسلامی آشنا باشیم، باید دل را به صفای روح و بی رغبتی دنیا عادت دهیم و بدانیم که صفای روح در شناخت خود و خدا است" من عرف نفسه فقد عرف ربه" اولیائی الهی دل به معشوق سپرده اند تا در حین نبودن، ماندنی باشند زیرا در زندگی دنیا بی در بر داشتن قدمها خطا ندارند و همواره خود را در میزان اعمال به سنجش وامیدارند. دنیا را سراب و زایل شدنی می دانند. پیامبر(ص) روی زمین با تواضع همچون بردگان می نشست و غذا می خورد و با دست مبارک کفش و لباسش را وصله می کرد و بر مرکب برهنه سوار می شد حتی گاهی فرد دیگری را پشت سرش سوار می کرد. حتی وقتی در اتاقش بود و پرده ای در مقابلش به نقش و نگار مزین بود به همسرش می گفت: آن را از نظر پنهان دار که هر گاه به آن می نگرم دنیا و زیور های دنیا را به یاد می آورم. پیامبر از زرق و برق دنیا دوری می جست و یاد آن را در وجودش می میراند زیرا دنیا را پایدار نمی دانست پس آن را از خود برون کردو دل از آن برداشت و دیده از آن فرو بست. و یا اینکه

وصی برحق رسول گرامی اسلام (ص) "حضرت علی (ع) در مصرف بیت المال بسیار دقیق بودند و همه مستحقان را فرا می خواند و از آنجا خارج نمیشد تا همه اموال را بین نیازمندان و مستحقان تقسیم می کرد و آنگاه آنجا را جاروب می کرد و نیز دو رکعت نماز خوانده ، می فرمود: ای دنیا! خود را به من عرضه مکن و مرا به شوق نیاور که تو را سه طلاقه کردم و برگشتی در آن نیست. (بحار ج ۴۱-ص ۱۰۳)

علی (ع) پیروز دو جبهه بود جبهه درونی و بیرونی و معتقد بودند که باید نفس را تمرین به فضائل داد تا عادت کند در سختیها صبر کند و کار حرام انجام نهد و همواره باید لجامش را رها نکرد . ایشان در زمان حکومتش می گفت : دنیا ! از من دور شو و خودت را به من نشان نده که خریدار تو نیستم. (نهج البلاغه خ ۲۲۴)

نتیجه اینکه انسان باید دل را به یاد خدا آراسته و زینت دهد و در زندگی دنیا جهاد با نفس را فراموش نکند و ابصار آن را همواره رها نکند که ذلیل و خوار دنیا و آخرت می گردد؛ و در حین اینکه در دنیا با مردم معاشرت دارد ، مشکلات آنان را از نظر روحی و روانی و جسمی و اقتصادی در نظر داشته باشد و مراقب شیطان باشد تا دچار عجب و ریا در عمل نگردد و از سیئات دوری نماید و حسنات خود را با ضربه های مهلک سیئات خراب نکند و خلاصه بی رغبت به تجملات و زیباییهای دنیا باشد تا باب زهد را بر روی خود بگشاید و بداند که خداوند غنی است و او فقیر و در هر مرحله ای با کسب هر امتیاز آن را از طرف خدا بداند و به خود بگوید من مأمور انجام در امور تکلیفی خویش هستم و باید مراقب باشم دستم و پایم را در آتش جهنم وارد نکنم زیرا که اگر دست را بر روی آتش بگذارم توانایی سوختن در آتش را ندارم . و حال می گویم ، دستت را بر روی آتش بگذار و بخود بگو: رها کن زیور دنیا را و دل به آن نبند و بی رغبت به آن باش زیرا دنیا آتش است و توهیزم آن ، و این هیزم باید در راه عشق خود و شریعت خداوندی مصرف گردد با شناخت حلال و حرام الهی نه بخاطر کسب بهشت و غیره که این هم زیانبار و مزدوری است. از حضرت رسول (ع) به سند معتبر از امام صادق (ع) نقل شده : چون بنده ای بسیار استغفار کند صحیفه عملش بالا می رود و می درخشد و نور می دهد (اصول کافی ۲/۴۰۴/۲) حضرت در هر مجلسی هر چند کوتاه می نشستند تا ۲۵ مرتبه استغفار نمی گفتند بر نمی خاستند (اصول کافی ۲/۴۰۴/۴)

طلب توبه از خداوند تعالی بوی بد گناهان را از بین می برد و انسان را رسوا نمی کند و روزی را زیاد می کند و انسان را از تکبر و غرور بیجا نجات می دهد.

إِلَهِي أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ،

خدایا تو فرمودی و گفته‌ات حق است «ای

ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً، وَسَبِّحُوْهُ بُكْرَةً وَاَصِيلاً،

کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید یاد کردن بسیار و تسبیح او گویند در بامداد و پسین»

وَقُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ فَادْكُرُونِي أَدْكُرْكُمْ، فَأَمَرْنَا بِذِكْرِكَ، وَوَعَدْنَا

و نیز فرمودی و گفته‌ات حق است «مرا یاد کنید تا من هم شما را یاد کنم» پس تو ما را به یاد کردنت دستور فرمودی و به ما وعده دادی

عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَإِعْظَامًا، وَهَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا

که برای شرافت و عزت و عظمت بخشی به ما تو هم ما را یاد کنی و ما هم اکنون مطابق فرمانت تو را

أَمَرْنَا، فَأَنْجِرْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا، يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

یاد کنیم پس تو هم به وعده خویش وفا کن ای که از یادکنندگان یاد کنی و ای مهربانترین مهربانان

شرح این فراز:

سخن خدا و کلام او حق است. ای گروه مؤمنان خدا را یاد کنید همانطور که او شما را یاد می کند و از نعمتهای سرشار خود شما را بهره مند می سازد. چگونه خدا را یاد کنیم؟

خدا را در نهان و پنهان و عملا و نقلا و در حال سکون و آرامش، در وقت تلاش و کار، در خواب و بیداری و بهره مندی از نعمتهای الهی و انجام کار های خیر و یاری مردمان از نظر فکر و اندیشه اقتصادی و سیاسی و دینی در روابط خانوادگی و اجتماعی یاد کنید که ذکر کثیر است. ذکر کثیر تسبیح حضرت زهرا (س) بعد از هر نماز واجب که برابر هزار نافله است (نفل) = جبران مافات در نماز های واجب و تسبیحات اربعه " سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر " که این تسبیحات از عرش خدا و حتی چهار رکن خانه خدا از عرش با این ذکر به زمین آمده است. به سند معتبر از امام محمد باقر (ع) نقل شده است: " حضرت رسول (ص) بر شخصی گذشتند که در باغ خود درخت می کاشت. حضرت ایستادند و فرمودند: می خواهی تر بر کاشتن درختی دلالت کنم که اصلش ثابت تر و میوه اش زودرس تر و نیکوتر باشد؟ گفت: بلی! فرمود: هر صبح و شام بگو " سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر " تا آنکه حق تعالی به عدد هر تسبیحی ده درخت از انواع میوه ها در بهشت به تو کرامت فرماید. (بحار الانوار ۲۵۷/۸۶ ذیل ح ۲۷)

هر دارویی یک خاصیت دارد. هر میوه ای خاصیت مخصوص به خود دارد. هر انسانی حال و هوای متغیر دارد که بنا بر فرمول مؤثری درد های روحی و جسمی خود را درمان می کند. پس هر زکری خاصیتی دارد که برای به نتیجه رسیدن، بهتر است هر زکری را در محل خود با فرمول مخصوص خود استفاده کرد. بهترین ذکر برای دفع بلا و آفتها " ماشاء الله لا حول و لا قوة الا بالله " است. هر کس هر روز صد بار " لا حول و لا قوة الا بالله " خدا هفتاد نوع بلا را از او دفع می کند که سهل ترین آنها غم و اندوه می باشد. (بحار الانوار ۱۸۸/۹۳ ح ۱۶)

حمران بن اعین از وجود مبارك امام صادق (سلام الله عليه) آن روایت را نقل می‌کند که حضرت فرمود برو به مردم کوفه بگو هر کس بتواند طرز زندگی کند که در قیامت بگوید لا اله الا الله این یقینا اهل بهشت است فوراً عرض یقینا اهل بهشت است فوراً عرض کرد همین‌طور صریح من بروم به مردم بگویم فرمود: بله برو بگو عرض کرد: در بین اینها شیعه هست غیر شیعه هست فرمود: آن که موحد ناب نیست در قیامت یادش می‌رود لا اله الا الله. منظور این نیست که اگر کسی در دنیا بگوید لا اله الا الله در آخرت بهشت می‌دهند در دنیا لا اله الا الله گو زیاد است اگر کسی این هنر را بتواند داشته باشد که زبانش تا موت به لا اله الا الله مترنم باشد در برزخ به این قول قائل باشد در ساحره قیامت وقتی حرف می‌زند بتواند بگوید لا اله الا الله این یقینا اهل بهشت است خدا وعده نداد اگر کسی در دنیا کار خوب بکند در قیامت بهشت دارد فرمود؛ اگر کسی بتواند کار خوب را به همراه خود تا قیامت بیاورد من جاء بالحسنة فله عشر امثالها. (به نقل از ایت الله جوادی آملی)

و برای شناختن ذکر های مفید توصیه می شود به کتاب عین الحیات (علامه محمد باقر مجلسی (ره) رجوع نمایید.

به سند معتبر از رسول خدا(ص): هر که خدا را بسیار یاد کند حق تعالی او را دوست دارد و دو برات برای وی می نویسد: یکی بیزاری از آتش جهنم و دیگری بیزاری از نفاق.

یکی از اذکار مفید صلوات است:

معنای صلوات چیست؟

علامه طباطبائی می فرمایند: معنای صلوات بر محمد و آل محمد این است؛ خدایا آن رحمتت را بر اینها نازل کن که از این ها به ما برسد. اگر یک کشاورز بخواهد مرکز کشتش رشد کند از خدا باران می خواهد بارانی که بالاخره باید از آسمان فرود آید پس ابتداء فضا را سیراب می کند بعد به زمین می رسد. رحمت اگر بخواهد ببارد اول بر این خاندان می بارد، بعد به دیگران می رسد. لذا همین طلب رحمت کردن مستلزم استجابیت دعا است. "إِنَّ قُلُوبَنَا أَوْعِيَةٌ أَرَادَ اللَّهُ"

ائمه (ع) می فرمایند: دلهای ما ظرف اراده خداست. اراده خدا صفت فعل خداست و زائد بر ذات است و در یک موجود ممکن و در محل و مظهر ممکن ظهور می کند، آن مظهر قلب معصوم اولیای الهی است. (المیزان ج ۲۰ ص ۲۳۶)

ذکر صلوات:

مؤمن به جائی می رسد که خدا بر او صلوات می فرستد تا او را به فضای نور منتقل کند. مؤمن به جائی می رسد که فرشتگان بر او صلوات می فرستند تا او را به فضای روشن منتقل کنند، پس خاصیت صلوات نورانی کردن است. صلوات صفت فعل خداست و لفظ خدا هم همان کار خداست. وقتی خدای سبحان توفیقی داد که یک مؤمن نورانی بشود یعنی بر او صلوات فرستاد، تاریکی احساس نکرد، معلوم می شود که صلوات فرشتگان نصیب او شده است. هر جا که انسان گرفتار خیال باطل است در آنجا صلوات فرشتگان شامل حالش نشده است. انسان هر کجا نورانیتهی احساس کرد معلوم می شود صلوات الهی و فرشتگان الهی نصیب او شده است.

۱- صلوات خدا و ملائکه بر پیامبر(ص): **إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا** (احزاب، ۵۶)

۲- صلوات خدا و فرشتگان خدا بر مؤمنین: **هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا** (الأحزاب، ۴۳)

۳- **الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** * **أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ** وَ **أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ** (البقره، ۱۵۷)

یعنی آنهایی را که وقتی مصیبتی بایشان می‌رسد می‌گویند: (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) ما ملك خدائیم و بسوی او باز خواهیم گشت * این جمله در اصطلاح کلمه استرجاع نامیده شده و مستحب است که انسان هنگام برخورد با مصیبتی آن را بگوید. و معلوم است که مقصود تلقین معنی آن بنفس انسان است و تحقق بحقیقت آن.

و معنی این کلمه چنانچه از روایات استفاده می‌شود این است که انسان اقرار و اعتراف کند به اینکه آدمی مملوک پروردگار است و بداند که اختیار ملک با مالک است و هر گونه تصرفی بخواهد میکند. (مفاد جمله اول) و مفاد جمله دوم اشاره بعدم بقاء دنیاست که انسان بداند این دنیا منزل عبور موقتی است و آنچه بحسب ظاهر هم انسان مالک آن است بالاخره از او سلب خواهد شد و همه و همه بسوی مالک حقیقی که خداوند است بازگشت خواهند نمود.

کسانی که مفهوم واقعی استرجاع را دانستند مشمول صلواتی از پروردگارشان هستند و ایشان! تنها ایشان راه یافته‌گانند.

نیز از خصایص سید رضی(ره) از آن حضرت روایت شده :

«انّ قولنا انا لله اقرار منا بالملك و قولنا انا اليه راجعون اقرار منا بالهلاك»

«همانا گفتن «انا لله» اعتراف ما به مالکیت خدا و گفتن «انا اليه راجعون» اقرار ما به هلاکت است .

و از این کلمه از دو جهت لزوم صبر بر مصائب استفاده میشود:

اول : اینکه بلیات و مصائبی که از جانب حق وارد میشود تصرف مالک و صاحب اختیار حقیقی در مملوک خود است و مملوک را نمیرسد که اعتراض یا اظهار نظر یا حکم بر خلاف کند: «عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ» (سوره نحل آیه ۷۷)

دوم : اینکه ثبات و بقایی برای این دنیا و ما یملک آن و نعم و بلیات آن نیست و بسرعت هر چه تمامتر همه زائل و فانی میگردد بنا بر این با دانستن این مطلب، از بین رفتن یک نعمت و آمدن یک مصیبت قابل تحمل میگردد. پس معنی این شد که ما سرانجام در پیشگاه خدا برای محاکمه حاضر خواهیم شد،

نه اینکه فکر کنیم ما به وجود خدا ضمیمه خواهیم شد. که وصل شدن و ضمیمه شدن به خدا جزء تفسیر به رأی است و اشتباه بارز در تفسیر است که بعضی در فلسفه و تفاسیر به ان اشاره دارند.

۴- در مورد چگونگی بیان صلوات احادیث بسیاری در کتب و منابع معتبر و موثق شیعه و سنی ثبت است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: بر من درود ناقص نفرستید. گفتند: ای رسول خدا! درود ناقص چیست؟ حضرت فرمودند: این که بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ. بلکه بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. (مرحوم فیض الإسلام در ترجمه صحیفه سجادیه).

